

حس مزخرف و عجیبی داشتم؛ خفگی و تهوع

با هم. خانه انگار قفسی شده بود که تنگ و تنگ‌تر می شد. من در جاهای بسته، حس خفگی دارم. هر چند در خانه ای بسیار بزرگ زندگی می‌کنم اما امروز حس می کنم مرا در جایی یک متری محبوس می کنند یا کرده اند. تاب نیاوردم و بیرون زدم.

– بی خیال ماشین؛ به امروز رو کمی پیاده برم.

شاید حالم بهتر شه.

به تاخت از حیاط رد شدم. انگار هیچ چیز در آن ندیدم؛ شاید هم هیچ چیز نبود. همان حیاطی که برایش پول بسیار هزینه کرده بودم.

– توی به معامله ی توپ کولی پول به جیب زدم.
یه ماشین داغون رو به قیمت نو انداختم به پارو. خیلی حال داد! [پوزخندا] یارو احمق بود؛ بیخودی به حرف من اطمینان کرد. تقصیر خودش بود. بعدش با اون پول جیاطو ردیفش کردم.

– عاشق این شهرم. وقتی اومدم اینجا هیچی نداشتم، گدا بودم. اسمش قبلنآ چیز دیگه بوده اما الان «کاگان» شده. جای اشنالیه اما پول توشه.

از مردم میشه پول بیرون کشید.

– من «هوشونو کانو» بودم، به عکاس احمق. الان واسه خودم کسی شدم، بهم میگن: «سزان».

دم و دستگاهی بهم زدم و پول پارو میکنم. دقیقن نمیدونم کارم چیه. میدونم از ماشین دست دوم فروختن و بعد خونه دسته دوم فروختن شروع کردم و یاد گرفتم چطور باس جنس قالب کنم. مردم هم خوب میخن، خالیشون نیس اصن.

در حیاط را بستن. پشتم را نگاه کردم،

پیاده‌رویی باریک و دراز که یک طرفش کاج کاشته اند مثل قارچ و آن طرفش دیوار حیاطها و خانه‌ها را. پیاده‌رو با سنگ‌های توسی تیره و روشن سنگ‌فرش شده است. حاشیه‌ای دیگرم خیابان نیزی کیم همین پیاده رو سبز شده. خیابانی نه کوچک و نه بزرگ، با آسفالت خاکستری رنگ

وُ رو رفته‌ای. متقوش به لکه هایی با رنگ های تیره. نگاه پیاده رو را گرفتم و راه افتادم، درختان

و می شمرم. هر روز همین است؛ درختان وارفته

و دراز و بی ثمر کاج.

– درخت باید پول توش باشه. [پوزخندا]

مذهبتاست که من دایم سردم است؛ اما امروز حس می کنم سرما به مغز استخوانم رسیده، انگار استخوان گونه ام را می خواهد بشکند. به زور

دستم را درون جیبم فرو می کنم و سرم را درون شال گردنی که دور گردنم پیچیده ام فرو می‌کنم. آفتاب مسخره سردی خود را به روی کاج ها و پیاده رو می مالد، نور اندک و گرمِ هیچ. نگاهم را از پیاده رو به سوی نوک شاخسارِ سبز کاج ها

می چرخانم.

– کاج‌های مسخره‌ی همیشه سبز الکی خوش. اینا به چه دردی می خورن؟ زرتی فرو کردنشون تو خاک. فقط جلو راه منو گرفتن و راهمو تنگ کردن.

پیاده رو پایان یافت و به بولوار بزرگی وارد شدم. یک سر این بولوار به عمق شهر می رود. شهری غرق در دود و بوی گند؛ آکنده از رنگ خاکستری. من دوستش دارم چرا که همیشه چراغ هایش روشن است و پول روی پول انباشته می شود. سوی دیگرم آن به جایی فراخ می رود. محله ای به نام « تنزو کانگن ». سرسبز، آرام و پر نور.

– یه مُش ابله بهترین زمینای شهر و برداشتن پارکش کردن. احمقا! اینا چه میفهنم پول چیه. اینجا بهترین جا واسه خونه سازی و پول کبه کردنه. لونه های نقلی بسازی و بنادزی به مردم. وای چه حال میده. [قه قه زدن]

پارک بزرگ و مسطح است با چندین خیابان اصلی و پر از خیابان های فرعی برای ورزش و پیاده روی. خیابان های اصلی هر چند متر به چند متر به میدانی می رسند که در وسطش استخر آبی است با فواره هایی عظیم که آب را در شکل های گوناگونی به آسمان می پاشند و شب‌ها نورافشانی و آب، مردم را به اینجا می کشد. – لعنت به اینا! این زمینا رو من باید می گرفتم

و توش خونه می‌ساختم و پولش میکردم. خاک توُ سر احمق خرشون. [محکم گره کردن مشت دستانتاش]

نمی دانم چرا به جای رفتن به آسوی بولوار و رسیدن به عمق شهر، به سمت دیگرم راه افتادم؛

شاید به خاطر نور بیشتر این سو بود. راه بسیار طولانی بولوار را به سرعت باد گذر کردم و آنگاه

که به خود آمدم در چند گامی انتخاب مسیر

بودم. مسیری که به پارک جنگلی عظیم حومه ی

شهر می‌رود و راهی دیگرم که جایی نگویم بخت

می‌رود. پارک را بارها دیده و بارها تلاش کرده

بودم با شرکایم آنجا را مالک شویم و بکوبیم و

بسازیم اما …

– زنگه‌ی چُمن عجوزه ی نفهم، هی به ما میگه: «رِهه های شهره، من نمیذارم این آخرین پارک رو هم شما پول پرست ها بگیرید و لونه‌های سگ بسازید وُ به جای خونه به مردم بدبخت بنادزید».

نمی‌دانم چرا اما راهم را کُز کردم و وارد آن راه دیگر شدم. شاید به خاطر بی سر و صدا بودنش بود. اینجا گورستان «خامآ کارا» بود؛ آخر خط

این جهان.

– چه جایی واسه مُرده‌ها دُرس کردن؛ مردم

داستان

▪ شنبه ۲۸ آذر ۱۳۹۴ ۷ ربیع‌الاول ۱۴۳۷ Dec 19, 2015 سال بیست و یکم شماره ۵۶۴۶

داستان کوتاه «همشهری سزان»

فرشید خیرآبادی



واقعن احمقا! اینا که حالیشون نیس. مُردن! چه

پولایی اینجا خرج کردن. یارو سنگ گرانبِت ایتالیایی اصل رو انداخته رو گور یه فسیل.

– اون یکی مقبره خانوادگی برا خودش ساخته، به چه شیکیی! مردم خیلی کودنن. باس پولشون رو گرفت، چون اینا که حالیشون نیس چطوو

خرچش کنن.

گوری در گوشه ای حواسم را به خود فراخواند.

– این گور «ساکنزو کاگان» لعنتیه! تا زنده

بود نمی‌داشت یه پنی پول به جیب بزنیم.

همش چرند می‌گفت: «من به فیلسوف کانتی‌ام.

نمی‌تونم اجازه بدم مردم رو بدوشید. قانون! قانون باید به نفع همه باشه. همین».

کاگان مُرد و از روز پس از مرگش دست ما

برای پول پارو کردن باز شد. شانس به ما رو کرد

که از دست فیلسوف کانتی راحت شدیم.

اکنون اینجا دراز شده است و روی دیواره ی

یادمانش افتخاراتش را حک کرده اند؛ با شکوه!

چند خط از افتخارات و ثمره زندگییش را خواندم؛ در یکی از آنها هم حرف از پول نبود. هرچند او مردی بی نیاز و ثروتمند بود.

مزمزه ای از پشت سرم شنیدم، برگشتم.

چیزی نبود، خوب دقت کردم. نه! کسی این

حوالی نبود. دیواره روییم را به سوی گور

گرداندم. مزمزه واضح تر شد انگار به آرامی

سخن می‌گفت. پیش رفتم؛ گویی از درون اتاقک

یادمان پخش زمین شدم. حالا دیگرم شوکه شده بودم. خودم را مثل کرم روی زمین کشیدم و به در ورودی رساندم؛ با کمک آن ایستادم و توانستم از مقبره خودم را به بیرون پرت کنم و فرار کنم…

همچون باد می دویدم، بدون خستگی و با تمام توان. همه ی راه رفته را دوباره باز گشتم، بی‌وقفه. به دوراهی ابتدای بولوار اصلی شهر رسیدم. به پشت سرم نگاه کردم کسی نبود، پیش رو هم کسی دیده نمی شد. اما ترس …

همچنان در انگشتان دستم و در چشمانم که به اینسو و آنسو می پرید جا مانده بود. زانوانم روی ساق پایم می لرزید، خستگی نبود، وحشت بود. دیدگانم این سو و آنسو می چرخید بی هیچ تمرکزی. میل شهری به چشمم خورد. بی ریخت و بی قواره، کنار پیاده روی بولوار رها شده. هر چند خسته نبودم اما روی آن نشستم. خودم را از دلاری می‌دادم که خسته ام و باید بنشینم. در همه ی عمرم اینقدر ندویده بودم و ترس …

در حالی که نشستم بودم کمرم را خم کردم و سرم را بین دو دستم گرفتم. حس کردم بخشی از کت چرمی ام آویزان شده.

– لعنتی! فک کنم گیر کرد به در مقبره ی اون عوضی و پاره شده. کلی پولشو دادم. اینو خیلی گرون خریدم تا به مشتریام نشون بدم مایه دارم و قابل اعتماد.

– اصن اشتباه کردم رفتم توی اون سگ دونی؛ بیخودی خودم رو ترسوندم. حالا بهتر تا کسی کت پاره رو تن من ندیده به بوتیک پیدا کنم و یکی بخرم. نمیخام مردم بگن: « سزان مایه دار رو بین لباسش پاره اس». ممکنه مشتریام رو از دست بدم. [پوزخندا]

برخاستم و در مسیر پیاده رو پیش رفتم.

می‌دانستم شایینگ سترز بزرگی همین اطراف

است. پیدایش کردم و وارد شدم. سریع چرخ ی

زدم. در ویرتین فروشگاهی کت بلندی چشمم

را گرفتم. همیشه تا به فروشگاهی وارد می شوم

این بار همه جا خیلی خلوت بود و انگار کسی مرا

ندید. یکی از فروشندگان را با اشاره ی دست

فراخواندم، به طرف من آمد و نزدیک من که شد

سرعهش را بیشتر کرد و از کنارم گذشت. شگفت

زده شدم. مگر می شود سزان بزرگ را ندیدی؟!

– حالا از کنار من رد میشی وُ محل نمیذاری

اشغال پاپتی! پوستت رو میکنم عوضی. الان

بهتره چیزی نگم. تا کسی ندیده کنم رو عوض

کنم. بعدش به حسابت میرسم کارگر بد بخت.

این بار یکی از فروشندگان را صدا زدم.

– هی! تو، دخترم بیا اینجا. میخام گرون ترین

ثبتي و دادگستری

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی <p>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی</p> <p>برابر رأی شماره ۱۰۲۵۵۷۱-۳۱۱۰۰۱۰۲۵۵۷۱ مورخ ۹۴/۹/۲۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقرف در واحد ثبتي حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی عبدالله بنسیری فرزند امان به شماره شناسنامه ۸۰۵۵ ۴ صادره از فیروزآباد در ۷۴۱۱ فرعی از ۲۰۸۳ اصلی مغروز و مجزی شده از پلاک ۱۵۲/۱۶ مترمربع پلاک ۵۴۸۴ فرعی از ۲۱۴۳ اصلی مغروز و مجزی شده از پلاک ۴ فرعی از ۲۱۴۳ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز خریداری از مالک رسمی فضل‌اله غریبی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۹/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۱۰/۱۳</p> <p>۲۳۴۵۲/م الف</p> <p>رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرگین</p>	
--	--

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی <p>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی</p> <p>برابر رأی شماره ۱۰۲۵۵۲۸-۳۱۱۰۰۱۰۲۵۵۲۸ مورخ ۹۴/۹/۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقرف در واحد ثبتي حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی عبدالله بنسیری فرزند امان به شماره شناسنامه ۸۰۵۵ ۴ صادره از شیراز در شش‌دانگ یکپاب خانه به مساحت ۲۳۸/۶۰ مترمربع پسلاک ۵۳۹۹۱ فرعی از ۱۶۵۲ اصلی مغروز و مجزی شده از پلاک ۵۰۵ فرعی از ۱۶۵۲ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز خریداری از مالک رسمی علی جان آقایی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۹/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۱۰/۱۳</p> <p>۲۳۴۵۶/م الف</p> <p>رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرگین</p>	
---	--

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی <p>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی</p> <p>برابر رأی شماره ۱۰۳۰۰۰۳۵۷-۳۱۱۰۳۰۰۰۳۵۷ مورخ ۹۴/۸/۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقرف در واحد ثبتي قیر و کارزین تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی ابوطالب حقیقی فرزند نصرالله به شماره شناسنامه ۱۷۶۶ صادره از فیروزآباد به شماره ملی ۹۰۶۴۴۷۰۹-۲۴۵۰ در یک قطعه باغ منجر به مساحت ۵۳۴۷۵/۱۱ مترمربع پلاک ۱۵۷۷ فرعی از ۶۴ اصلی واقع در قطعه ۳ بخش ۱۷ فارس شهرستان قیر و کارزین مشهور به مبارک‌آباد خریداری از مالک رسمی نصراله حقیقی فرزند نصرالله به شماره شناسنامه ۱۷۶۶ صادره از فیروزآباد به نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۹/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۱۰/۱۴</p> <p>۵۴ /م الف</p> <p>رئیس اداره ثبت اسناد و املاک قیر و کارزین قنبر محمدی</p>	
---	--

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی <p>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی</p> <p>برابر رأی شماره ۱۰۳۲۲۲۳-۳۱۱۰۰۱۰۳۲۲۲۳ مورخ ۹۴/۸/۲۶ هیات سوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقرف در واحد ثبتي حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی حسن دهدشتی فرزند جان محمد به شماره شناسنامه ۸۱۱ صادره از کارزور در شش‌دانگ یکپاب ساختمان به مساحت ۳۲۷/۹۵ مترمربع پلاک ۱۹۰۱۳ فرعی از ۱۶۵۱ اصلی مغروز و مجزی شده از پلاک ۳۲۷۰ فرعی از ۱۶۵۱ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز حصه مشاعی متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۹/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۱۰/۱۳</p> <p>۲۳۴۵۳/م الف</p> <p>رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرگین</p>	
--	--

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی <p>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی</p> <p>برابر رأی شماره ۱۰۳۳۲۲۳-۳۱۱۰۰۱۰۳۳۲۲۳ مورخ ۹۴/۸/۲۶ هیات سوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقرف در واحد ثبتي حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی حسن دهدشتی فرزند جان محمد به شماره شناسنامه ۸۱۱ صادره از کارزور در شش‌دانگ یکپاب ساختمان به مساحت ۳۲۷/۹۵ مترمربع پلاک ۱۹۰۱۳ فرعی از ۱۶۵۱ اصلی مغروز و مجزی شده از پلاک ۳۲۷۰ فرعی از ۱۶۵۱ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز حصه مشاعی متقاضی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۹/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۱۰/۱۳</p> <p>۲۳۴۵۷/م الف</p> <p>رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرگین</p>	
--	--

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی <p>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی</p> <p>برابر رأی شماره ۱۰۳۴۸۴-۳۱۱۰۰۱۰۳۴۸۴ مورخ ۹۴/۱۲/۱۲ هیات سوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقرف در واحد ثبتي حوزه ثبت ملک شیراز ناحیه ۱ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی محسن مختاری فرزند حسین به شماره شناسنامه ۱۱۵۷ صادره از اقلید در شش‌دانگ یکپاب خانه به مساحت ۱۷۰/۶۶ مترمربع پلاک ۵۳۹۹۳ فرعی از ۱۶۵۲ اصلی مغروز و مجزی شده از پلاک ۵۰۹ فرعی از ۱۶۵۲ اصلی واقع در بخش ۴ شیراز خریداری از مالک رسمی زرن‌دخت پاکباز محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۹/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۱۰/۱۳</p> <p>۲۳۴۵۴/م الف</p> <p>رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک شیراز حسین گرگین</p>	
---	--

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی <p>آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي و اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی</p> <p>برابر رأی شماره ۱۰۳۴۸۴-۳۱۱۰۰۱۰۳۴۸۴ مورخ ۹۴/۸/۸ هیات سوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتي اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقرف در واحد ثبتي قیر و کارزین تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی حیدر حقیقی فرزند نصرالله به شماره شناسنامه ۱۴۳۹ صادره از فیروزآباد به شماره ملی ۹۰۶۴۴۳۳-۲۴۵۰ در شش‌دانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۷۲۴۴/۳۹ مترمربع پلاک ۱۵۷۷۵ فرعی از ۶۴ اصلی واقع در قطعه ۳ بخش ۱۷ فارس شهرستان قیر و کارزین مشهور به مبارک‌آباد خریداری از مالک رسمی نصراله حقیقی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p> <p>تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۹/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۱۰/۱۳</p> <p>۵۵/م الف</p> <p>رئیس ثبت اسناد و املاک قیر و کارزین قنبر محمدی</p>	
---	--

آگهی فقدان سند مالکیت <p>محمود نوذری دالینی با تسلیم دو برگ استنبه‌نامه که در دفترخانه ۱۴۶ شیراز تنظیم شده مدعی است که تعداد یک جلد سند مالکیت به شماره چاپی ۹۸۸۹۷۹ مربوط به یک سهم مشاع از پنج سهم سهام سه دانگ مشاع از شش‌دانگ پنج باب مغازه و یکپاب زیرزمینی و یکپاب عمارت فوقانی پلاک ۶۳۱۷/۷ واقع در بخش یک شیراز که ذیل ثبت ۱۳۰ در صفحه ۷۷۶ دفتر اول املاک به نام محمود نوذری دالینی ثبت و سند مالکیت صادر و به علت جابجایی مفقود گردیده و نامبرده تقاضای صدور المثنی سند مالکیت متوجه امور ثبتی است. بدیهی است که در صورتی که هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای کرده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه سند مالکیت یا خلاصه معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مدت مقرر اعتراضی نرسید و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نشود اداره ثبت، المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.</p> <p>۲۳۴۵۹/م الف</p> <p>رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو شیراز حسن نصیریان</p>	
--	--